

دوره نهم

# روز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
روابط عمومی

### تبلیغ از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

طول هزار سال بیش از هزار سال از صدر اسلام چنین اتفاقی نیفتاده بود، و آن حاکمیت اسلام بود.

تشکیل سازمان سیاسی مدیریت کشور در شکل محتوای اسلامی این سابقه ندارد. وقتی که یک چنین وضعی هست، طبعاً دشمنی‌های با اسلام شدت پیدا میکند. پس تبلیغ در دوره‌ی ما اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. هم از جهت اینکه در نظام اسلامی پایه‌ی قوام نظام مردم‌اند، ایمان مردم است. اگر چنانچه ایمان مردم نباشد نظام نخواهد بود. ثانیاً از این جهت که دوره‌ی تطوّر علمی است انواع و اقسام شیوه‌های پراکندن پیام امروز وجود دارد که در گذشته حتی فکرش را هم نمی‌کردند. از تلویزیون و ماهواره بگیرد تا اینترنت و تا پسا اینترنت، این چیزهای جدیدی که پیش آمده، هوش مصنوعی و امثال اینها.

خب با یک چنین شرایطی با یک چنین وضعیتی که دست دشمن شمشیرهای آخته‌ی بژان خونریزی وجود دارد، ما چه کار می‌خواهیم بکنیم، تبلیغ اینجا اهمیت مضاعف پیدا می‌کند.

(بیانات در دیدار مبلغین و طلاب (۱۴۰۲/۴/۲۱))

### تبلیغ یعنی رساندن یک سخن درست

تبلیغ، ریشه‌ی قرآنی دارد؛ کاری نیست که ما آن را اختراع کرده باشیم یا از کسی در دنیا آن را یاد گرفته باشیم. خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب میفرماید: الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا؛ (۱) و در سوره‌ی مبارکه‌ی مائده [میفرماید]: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ؛ (۲)

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در ۲۱ تیرماه ۱۴۰۲ در دیدار مبلغین و طلاب، تبلیغ را اولویت اول عنوان کردند و تصریح کردند: اگر در حوزه از اهمیت تبلیغ غفلت شود، دچار استحاله فرهنگی می‌شویم.

بمناسبت روز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی و در راستای تبیین و تعمیق بیانات رهبری معظم انقلاب علیه السلام، بیانات ایشان در دوره‌های مختلف با محوریت موضوع تبلیغ، در ادامه ذکر شده است. بی شک، این وجیزه نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند و لازم است فضیلتی گرانقدر شخصاً و رأساً به بیانات و منویات ایشان مراجعه کنند و از شهد کلام ایشان مستفیض گردند.

این قدر ظرفیت تبلیغ در این کشور انبوه و متراکم و گسترده است که ما اگر چندین برابر آن مقداری که کار می‌کنیم هم کار کنیم، به نظرم این ظرفیت پر نمی‌شود. اگر در حوزه از اهمیت تبلیغ غفلت شود دچار استحاله فرهنگی می‌شویم. تبلیغ در نگاه حوزه علمیه باید در مرتبه اول باشد.

هم به تبلیغ احتیاج داریم، هم به موعظه احتیاج داریم، هم به تحقیق احتیاج داریم.

امروز نگاه رائج در حوزه‌های علمیه این است که تبلیغ در مرتبه‌ی دوم قرار دارد، مرتبه‌ی اول چیزهای دیگر است مقامات علمی و امثال اینها؛ مرتبه‌ی دوم تبلیغ است و ما از این نگاه باید عبور کنیم؛ تبلیغ مرتبه‌ی اول است.

تبلیغ در دوره‌ی ما بالخصوص اهمیت مضاعف دارد. برای اینکه در دوره‌ی ما یک اتفاقی افتاده است که در

زیاد است که اگر روحانیت دین از این قافله عقب بماند، قطعاً یک خسارت بزرگ تاریخی برای او پیش خواهد آمد.

(بیانات در دیدار جمعی از روحانیون کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱)

مبّٰلغ، با زبان، دل، جان، روح، همّت و با روشن بینی خود حرکت می‌کند. هنر مبّٰلغ دین این است که مخاطب را با آنچه که نیاز اوست، آشنا کند. بنابراین، نیاز زمانه را باید شناخت. تبلیغ برای زنده کردن احکام الهی و اسلامی است.

(بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۸/۱/۲۳)

در تبلیغ، باید دو چیز را با حداکثر اهتمام، مورد توجه قرار داد: یکی گزینش مخاطب و یکی گزینش محتواست.

(بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۷/۲/۲)

عزیزان من! از جمله چیزهایی که در تبلیغ بسیار مهمّ است، این است که شما پاسخ استفهامهای مخاطبان خود را بدهید. وظیفه‌ی مبّٰلغ دین و مبّٰلغ معنویت و پیام‌آور حقیقت این است که مردم را امیدوار کند و یأس را از آنها بزداید.

(بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۶/۱۰/۳)

[تبلیغ] یک سنت هزار ساله است و اگر دوران قبل از هزار سالی که حوزه‌های علمیّه و جامعه‌ی روحانیت شیعه تشکیل شده است، مورد مطالعه قرار گیرد، در آن زمان هم ما در میان برجستگان و زبندگان علمی شیعه، تبلیغ را

پروردگار عالم دستور تبلیغ را به پیغمبر خودش عنایت میکند و در آیات کریمه‌ی قرآن از قول پیغمبران، مکرّر در مکرّر مسئله‌ی تبلیغ ذکر شده: **أُتِلِّغُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي وَ أَنْصَحُ لَكُمْ**. (۳) تبلیغ یعنی چه؟ یعنی رساندن. رساندن چه؟ رساندن یک پیام، یک سخن درست؛ این معنای تبلیغ اسلامی است؛ منتها شرط این تبلیغ این است که صادقانه باشد، صمیمانه باشد، امانت‌دارانه باشد، مسئولانه باشد؛ این معنای تبلیغ است؛ در واقع کار با عظمتی که شما انجام می‌دهید، این است.

به طور طبیعی در تبلیغ اسلامی، فرصتها و تهدیدها برای مردم بیان میشود؛ دشمنها و دوستها برای مردم معین میشوند، شناسانده میشوند؛ اعتماد به نفس به مردم داده میشود؛ اینها در تبلیغ وجود دارد.

(بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۹۶/۱۰/۶)

### مخاطب شناسی شرط لازم در تبلیغ

اگر میخواهید [شما طلاب] تبلیغ خوب بکنید، از قبل مخاطب خودتان را انتخاب کنید. میخواهید با جوانها حرف بزنید؛ خیلی خوب، اگر مخاطب خودتان را انتخاب کردید - که جوانها هستند - باید بدانید سؤال او چیست..... مخاطب را باید شناخت؛ روستائی، شهری، تحصیلکرده.

(بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰)

امروز وسایل تبلیغ نوشتاری و گفتاری به قدری متنوع و

این که معنای حکمت چیست و کلام حکیمانه چگونه است، بحث دیگری است؛ اما اجمالاً، یعنی این که صحبت، مبتنی بر مبانی صحیح، عقلانی، متقن و متکی به مدارک باشد. حکمت این است: حرف درست، با ساختار تبیینی دارای اتقان. این حکمت است. بعد، «و الموعظه الحسنه». موعظه، غیر از حکمت است. موعظه این است که این کار را بکنید، این کار را نکنید؛ از خدا بترسید، از جهنم بترسید، به بهشت رغبت پیدا کنید؛ مرگ هست، سؤال منکر و نکیر هست؛ خوبی مطلوب خداست؛ دشمنی مبعوض خداست؛ سماحت خوب است؛ بخل بد است. اینها موعظه است؛ یعنی نظر به عمل مخاطب شماست؛ چه عمل جسمانی، چه عمل عقلانی. اینها موعظه است؛ آن هم موعظه‌ی حسنه. باید زبانمان، زبان موعظه باشد، بعد هم مجادله.

البته مجادله هم باید «بالتی هی احسن» باشد؛ مجادله‌ی بد نباشد. جدال صحیح؛ جدال به احسن. اینها پایه‌های تبلیغ است. این کارها را که ما همیشه می‌کردیم. از هزار و چهارصد سال پیش تا به حال، چه وقت مسلمین تبلیغ نمی‌کردند؟ شما ببینید آفاق عالم را تبلیغ اسلام گرفته است. امروز در منطقه‌ی شرق ایران هرچه شما جلوتر بروید، بیشتر مسلمین، مسلمین به موعظه و تبلیغ و به دعوتند تا به شمشیر. در چین این همه مسلمان هست؛ چه کسی اینها را مسلمان کرده؟ در کشورهای مالزی و اندونزی و فیلیپین و دیگر جاهایی که مسلمان هست، چه کسی رفته با شمشیر مردم را مسلمان کرده؟ در هندوستان، چه کسی با شمشیر مردم را مسلمان کرده؟ اگر شمشیر سلطان محمود غزنوی می‌توانست مؤثر باشد، اثرش این بود که مردم را دشمن اسلام کند؛ کما این که کرده است. شمشیر مغولها در هند و همان اکبرشاه و جهانگیرشاه و

مشاهده می‌کنیم؛ لیکن آنچه که روشن و مدون است و می‌توانیم با نام و نشان از آن یاد کنیم؛ همین مدتی است که حوزه‌های علمی به وجود آمد. در زمان سید مرتضی (رضوان الله علیه) و شیخ طوسی (رحمه‌الله تعالی) فقها و علمای بزرگی از حوزه‌ی بغداد و سپس حوزه‌ی نجف آن روز، به مناطق مختلف اسلامی اعزام می‌شدند و برای تبلیغ و بیان احکام، در آن جاها سکونت می‌کردند. بزرگانی که در منطقه‌ی حلب و شامات ساکن بودند و در سطح عالی علمی قرار داشتند و از مجتهدین بزرگ محسوب می‌شدند و آثار علمی آنها تا امروز مورد استفاده است، در حقیقت از برکات اعزامهای همین بزرگانند که مبلغین را از نجف و بغداد به آن دیار اعزام کردند.

(بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۴/۱۰/۲۷)

دین اسلام، دین تبلیغ است. درست است که ما در دین مقدس اسلام، برای پیشبرد هدفهای الهی و اسلامی، جهاد و شمشیر داریم، اما اصل بر تبلیغ و تبیین است؛ یعنی اساس اسلام این است. جهاد، یک فلسفه‌ی دیگر دارد. جهاد برای مقابله با قلدران و ستمگران و موانع تبلیغ و موانع گسترش نور اسلام است؛ اما آن جا که چنین مانعی وجود ندارد، یا حتی در آن جا که این مانع هم هست و جهاد امکان پذیر نیست، راه اساسی اسلام، دعوت و تبلیغ است. یعنی همین آیه‌ی شریفه‌ی معروفی که همه بر زبان جاری می‌کنیم که می‌فرماید: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن». (۱) پایه‌ی پیشرفت دعوت، اینهاست: اولاً، حکمت؛ یعنی کلامی که گفته می‌شود، باید حکیمانه باشد. پیغمبران حکمایند، علما حکمایند، مسلمین هم باید هر کدام از حکما باشند. پس، مبلغ اسلام، باید بیان حکمت کند؛ یعنی کلام حکیمانه بگوید. حالا

لیوان می شکند و آب می ریزد؛ آب را این طوری نمی برند؛ چه برسد به این که همان طوری که آب را با دو دست از جایی برمی داریم و به لب خودمان نزدیک می کنیم، بخواهیم با دو دست آن را بگیریم و ببریم؛ عقلاً بر این کار، بیشتر می خندند!

یک روز شیخ جعفر شوشتری (رضوان الله تعالی علیه) در یکی از مدارس تهران روی منبر می آمد و به مردم می گفت: مردم! همین قدر بدانید خدایی هست. با این تذکر، در دل‌های مردم، انقلابی درست می کرد. حالا نفس او بود، کمک خدا بود، فضای آن روز بود، قابلیت مستمع بود؛ به هر حال تأثیر خودش را می کرد. امروز اگر من و شما برویم روی منبر بنشینیم و بگوییم مردم!

همین قدر بدانید خدایی هست، مردم هم مثل ما سری تکان می دهند و می گویند عجب! آنگاه ما پا می شویم و می رویم، آن‌ها هم پا می شوند و می روند؛ کأن لم یکن شیئاً مذکوراً! یک روز مرحوم مجلسی (رضوان الله علیه) در کتاب «حق الیقین» و «عین الحیاه» و امثال این‌ها، اخلاق و عقاید دینی را با همان زبان خودش می گفت و دنیایی را به تفکر اعتقادی شیعی نزدیک می کرد. شما خیال نکنید که این کتب مجلسی بیهوده نوشته شده است؛ نخیر، پایه‌های تشیع را در آن زمانی که تشیع در کشور ما تازه بود همین کتابها قرص کرده است. به کتابهای «حیاه القلوب» و «حق الیقین» و «عین الحیاه» مجلسی به چشم حقارت نگاه نکنید و نگویید این‌ها چه اثری دارد؛ نخیر، این‌ها یک روز خیلی اثر داشته است. مجلسی وقتی آمده است که در همان شهر، یک قرن و نیم قبل از آن، برای اینکه مردم را به عقاید شیعه وادار کنند، چه کارهای حتمی غیر انسانی‌یی کرده بودند؛ مجلسی و امثال او آمدند این عقاید را در دل‌های مردم

همین‌هایی که اسم‌هایشان معروف است و عده‌ای هم به اسم اینها افتخار می کنند، یک عده دشمن سرسخت برای مسلمین درست کرده است. همین سیک‌های هند که شما می شناسیدشان، ساخته و پرداخته‌ی شمشیر مغول‌هایند و دشمنترین دشمنان اسلام در هند همین سیک‌هایند که از هندوها هم دشمن‌ترند. شمشیر، کسی را از اعماق دل مسلمان نمی کند.

(بیانات در دیدار مسؤولان سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور ۱۳۷۲/۲/۶)

تبلیغ، یعنی رساندن. ابزار رساندن، به حسب شرایط متفاوت است. یک وقت هست که شما می خواهید چیزی را به اتاق بغلی برسانید؛ می شود آن را در مشت گرفت و به آن جا برد؛ اما گاهی یک فرسخ فاصله هست؛ گاهی تا آن طرف دنیا باید بروید؛ گاهی حجابها و دیوارها هست؛ گاهی از کوهها و گردنه‌ها باید عبور کنید؛ گاهی آنچه را که بردید، طرف طوعاً و رغبتاً می پذیرد؛ گاهی باید با لطایف الحیل آن را به او بدهید؛ گاهی دیگری آن جا ایستاده و نمی گذارد آن چیزی که شما برده‌اید، به او برسد؛ بنابراین، تبلیغ انواع و اقسامی دارد. در هر شرایطی، نحوه‌ی رساندن به گونه‌یی است. آن چیست که تشخیص می دهد ابزار و نحوه‌ی رساندن کدام است؟ آن، ابتکار و ذوق و سلیقه و فهم و سرعت انتقال شماست.

اگر آن جایی که آبی را باید به یک فرسخی برد، شما لیوانی به دست بگیرید و آب را در آن بریزید و راه بیفتید، عقلاً وقتی نگاه کنند، دچار شگفتی خواهند شد؛ این چه طور آب بردن است؟! آن جا باید کوزه و یا قمقمه‌یی پیدا کنید؛ لااقل سطلی پیدا کنید؛ چون یک فرسخ باید طی بشود. آب در یک لیوان تکان و لب‌پر می خورد؛ یا

کار تبلیغ، کار بسیار بزرگ، حساس و مؤثری است. امروز برکات تبلیغ‌های گذشته را مشاهده میکنیم و فردا برکات تبلیغ امروز شما را ان شاء الله جامعه مشاهده خواهد کرد. تأثیرات تبلیغ، دفعی و آنی نیست؛ طولانیمدت است. مبلغ دین اگر ظواهری را مشاهده میکند که به گمان او ظواهر غیر دینی است، مأیوس نشود. این توهمات که بعضی شایع میکنند که جوان‌ها از دین برگشته‌اند، همه را جنگ روانی بدانید، که واقع قضیه هم همین است. این طور نیست؛ جوان‌های ما دل را به طرف دین دارند و تشنه‌ی حقایق دینند و دل‌هاشان تشنه است. هر جوان سالم الفطره و سالم الطبیعه‌ای این طور است؛ مخصوص این جا هم نیست. این جا بحمد الله زمینه هم آماده است؛ تشنه‌اند و مشتاق؛ باید کام جان آنها را سیراب و با حقایق دینی شیرین کرد؛ این نتیجه‌اش را خواهد بخشید و فردای جامعه‌ی ما از این موهبت‌ها بهره‌مند خواهد شد.

من به منبر خیلی عقیده دارم. امروز اینترنت، ماهواره، تلویزیون و ابزارهای گوناگون ارتباطی فراوان هست، اما هیچ‌کدام از اینها منبر نیست؛ منبر یعنی روبه‌رو و نفس‌به‌نفس حرف زدن؛ این یک تأثیر مشخص و ممتازی دارد.

(بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۸۴/۱۱/۰۵)

اشتباه کسانی که در گذشته مسائل سیاسی را از تبلیغ کنار می‌گذاشتند، در این بود که عبودیت را به منطقه فردی منحصر میکردند. آنها این جا را غلط می‌فهمیدند و غلط عمل میکردند. بله؛ هدف، کشاندن مردم به عبودیت است؛ منتها عبودیت منطقه وسیعی در زندگی انسان

محکم کردند. آن روز آن مطالب به درد می‌خورد؛ اما امروز من و شما نمی‌توانیم «حق الیقین» و «حیاه القلوب» را تجویز کنیم؛ بگذارید در قفسه به عنوان تاریخ بماند؛ اگر هنر داریم، آن مضمون را با زبان امروز بنویسیم. بنده امروز «حق الیقین» و «حیاه القلوب» را برای مردم تجویز نمی‌کنم؛ به درد مردم نمی‌خورد. ممکن است خیلی از شماها اصلاً «حق الیقین» را نخوانده باشید؛ اما بنده خوانده‌ام. «حیاه القلوب»، «حق الیقین»، «عین الحیاه» این کتب فارسی مرحوم مجلسی پُر از مطلب است؛ اما نه مطلب باب جوان امروز؛ نه مطلب باب تفکر روشن‌فکری امروز که در زمان مجلسی از این حرف‌ها عین و اثری نبود.

(بیانات در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۰/۱۲/۰۵)

در حوزه باید به تبلیغ به صورت جدی توجه بشود؛ یعنی برای تبلیغ برنامه‌ریزی شود. این ذخیره‌ی عظیم در حوزه - این همه روحانی جوان آماده‌ی حرف زدن و تبلیغ کردن - در اختیار ماست.

(بیانات در آغاز درس خارج فقه ۱۳۷۰/۶/۳۱)

ما برای انتقال معارف اسلامی به اعماق جامعه و به دبیرستانها، به دانشجویان دانشگاهها، به دانش‌آموزان دبیرستانها و به خیلی از نقاط این جامعه احتیاج داریم به انسانهایی که از اسلام و از مبانی اسلامی و از تفکر الهی اسلام آگاه باشند.

(بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح ۱۳۶۴/۹/۲۶)

الهی باشد. آن جا هم بایستی طواغیت ازاله و زدوده شوند و افشاگردند.

(بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۳/۱۰/۱۳۷۶)

دارد و آن منطقه به عمل شخصی منحصر نیست. وقتی که عمل جامعه، عمل یک مجموعه عظیم انسانی و مردم یک کشور، عمل اقتصادی، عمل سیاسی و موضعگیریهای سیاسی مشمول بحث عبودیت شد، آن وقت دعوت شما هم میتواند شامل این مسائل باشد و باید هم باشد؛ چاره‌ای ندارید.

باید درس اخلاق بگویید، درس اخلاق سیاسی هم بگویید، درس اخلاق و معنویت هم بگویید، تحلیل سیاسی هم بدهید، دشمن درونی را هم - که نفس اماره یا شیطان رجیم است - معرفی کنید، دشمن اجتماعی را هم - که شیطان بزرگ یا شیطانهای گوناگونند - معرفی کنید، ایادی و اذناب شیطان را هم معرفی کنید. وقتی معنای عبودیت الهی این شد که انسان از «انداد الله» اجتناب کند و تبری جوید، باید از همه اشکال آن تبری جوید. «انداد الله»، یک وقت نفس پلید انسانی است که درون اوست؛ «نفسک التی بین جنبیک (۹)».

یک وقت شیطان است که در دعای صحیفه سجّادیه میگوید که «اورا در وجود من مستقر کردی و به چیزی که مرا از آن متمکن نکردی، تمکن بخشیدی.» یک وقت هم شیطانهای قدرتمند عرصه سیاسیاند که برای اغوا و راهزنی و تسلط و ضربه زدن و به جهنم کشاندن ملتها و شعوب بشری منتظر نشسته‌اند. «انداد الله» اینها هستند. دعوت به عبودیت، نفی اینها را میطلبد؛ چاره‌ای ندارید.

ما توصیه نمیکنیم که منبرها و سخنرانیها را به جنبه‌های فردی و شخصی منحصر کنید؛ نه. ممکن است یک سخنرانی، یک منبر، یک سلسله منبر، منحصر به این معانی باشد - مانعی ندارد - اما در کنار آن بایستی صحنه زندگی اجتماعی - سیاسی انسان هم میدان عبودیت



اگر امروز حوزه‌ی علمیه از اهمیت تبلیغ و حساسیت تبلیغ و مضاعف بودن وظیفه‌ی تبلیغ غفلت بکند، دچار عارضه‌ای می‌شویم که جبرانش به آسانی ممکن نیست؛ نمی‌گوییم محال است اما به آسانی ممکن [نیست] و دچار استحاله‌ی فرهنگی می‌شویم. اگر لاسمح‌الله استحاله‌ی فرهنگی پیش بیاید، درست کردنش، جبران کردنش دیگر کاریک ذره و دو ذره نیست. امام در یک مواردی مکرر می‌فرمودند که اگر چنین اتفاقی بیفتد، اسلام یک سیلی‌ای خواهد خورد که تا سالهای متمادی اثرش بر روی او باقی خواهد ماند؛ قضیه این است.



بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از مبلغین و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور

۱۴۰۲/۰۴/۲۱  
KHAMENEI.IR



اگر از تبلیغ غفلت بکنیم  
دچار استحاله فرهنگی می‌شویم